



۲۰۱۶/۱۱/۲۶



م. اسحاق نگارگر

## به من بگو چرا؟؟؟ (Tell me why ???)



یک کودک از رهبران سیاسی جهان می پرسد: «به من بگوید چرا جهان ما چنین است؟ و چرا به حال کودکان امروز که دست اندرکاران فردای جهان اند توجه نمی شود؟» شنبه ۱۲ نومبر ۲۰۱۶ نگارگر برمنگهم

\*\* \* \*\*

**به خاطر جهنمی که برای کودکان جهان ایجاد کرده اید چه جواب دارید؟**

این کودک از شما می پرسد به او بگوید که چرا بهشت رؤیاهای کودکی اش را به این جهنم سوزان که کودکان در آن می سوزند بدل کرده اید؟ بگوید چرا خجالت می کشید و چرا ناراحت هستید؟  
قاعده دنیا بر همین است که نسل امروز فرزندان خود را که مردان و زنان فردای جامعه هستند پرورش می دهند. اگر شما امروز به نام "بوکوحرام"، به نام "داعش"، به نام "طالب" و در یک کلمه به نام "جنگ" برای یک فردای موهوم از مردم قربانی می گیرید چه پاسخ دارید؟  
شما که امروز برای حاکم ساختن تعصب و تنگنظری کودکان را که شگوفه های آرزوی فردای جامعه هستند به خاک و خون می افکنید، پدر و مادر شان را سر می برید و در کام شان زهر تلخ یتیمی را فرو می ریزید؛ آیا در برابر خدای تان، در برابر وجدان تان و بالاخره در برابر این کودک که با صدای دردناک فریاد میزند: (tell me why?) به من بگو چرا؟ چه جواب دارید؟

➤ چرا آخر از رؤیا پرستان دیروز عبرت نمی گیرید؟

➤ چرا نمی خواهید از دیکتاتوران دیروز از "فرانکو"، "ستالین"، "مائوتسه دون"، "هیتلر" و "موسولینی" و دیگران بپرسید که آنان با ریختن دریاهاى خون از جهان غیر از لعنت دایمی چه چیز با خود بردند که شما می خواهید ببرید؟

مگر هفتاد و چند سال به اصطلاح دیکتاتوری پرولتاریا که دیکتاتوران شوروی بر مردم اعمال کردند توانست که تاریخ را از مسیر آن فقط یک بلست منحرف کند؟ مگر انقلاب فرهنگی چین توانست که تمایل مردم را برای آزادی و حاکم بودن بر سرنوشت خود مهار کند؟

نیاز مندی های فردا مسلماً با نیازمندی های امروز فرق دارد. مردم در هر زمان دو گونه نیازهای مادی و معنوی دارند. این حق مسلم مردم است که شکم سیر و تن پوشیده از سرما و گرما داشته باشند و در زیر سقفی که نامش را خانه نهاده اند شب و روز خود را فارغ از ترس و تشویش زندگی کنند و برای تأمین همین چیزها با طبیعت پیکار کنند و ضرورت های خود را به دست بیاورند.

این که گفته اند: "فلان از شکم سیر فارسی می خواند" به همین دلیل گفته اند که شکم سیر تشویش فردا را ندارد و می پندارد که همه چیز مفت و رایگان به دست می آید. در جامعه پیشه های گوناگون و رنگارنگ باید تا که کار جامعه به سامان برسد. آن احمق دیوانه که شعار "بوکو حرام" (یعنی تعلیم و تربیه عصری یا غربی) میدهد نمی داند که علم شرق و غرب ندارد و آنچه او غربی میدانند همانست که روزی از شرق گرفته شده و به صورت بهتر به شرق باز می گردد.

در موتوری که محصول قوانین علوم مُدرن است از یک جا به جای دیگر می رود و با تفنگی که در پرتو همان قوانین به وجود آمده بر دیگران اعمال زور و تحمیل اراده می کند و بالاخره به مدد همان علم است که انسان نیروی خود را بر طبیعت تحمیل و مقدار حاصل برداری را از زمین بیشتر می سازد بنا بر این آنکه امروز با تعلیم و تربیت می رزمند در حقیقت امر با نسل فردا هم جفا میکند زیرا او بدون اینکه نیازهای فردا را در نظر بگیرد تصور می کند که فردا نیز می توان شکم های بسیار جوینده نان و آب را به مدد دو تا قُلبه گاو و یک ماله و افسار قلبه کرد و حاصل برابر با نیاز نفوس رو به ازدیاد را به دست آورد. در این مسأله هیچ شک نیست که انسان نیازهای معنوی نیز دارد و نمی تواند از خدا و دین و اخلاق و سیاست و فلسفه و دیگر علوم اجتماعی بی نیاز گردد.

جهان، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم به همان سمت پیش می رود که مردم به فردیت خود و آزادی فردی خود بهای بیشتر بدهند. دنیای ما در آینده نه چندان دور تحمل احتساب و محتسب بازی را خواهد کرد بنا بر این امر به معروف و نهی از منکر نیز جز از طریق محبت و برادری به زور میسر نخواهد شد. روح دیکتاتوران دیروز به گوش دیکتاتوران امروز تنها یک آهنگ را زمزمه می کند و آن همین است که ما زور را آزمودیم نتیجه نداد. آری نسل فردا با بسیار صراحت از امروزیان می پرسد [به من بگو چرا؟] (tell me why?) - و چه خوش است که ما برای نسلی که می آید جوابی روشن داشته باشیم تا موجب سر افگندگی ما نشود.

**آنکه ناموزد ز دور روزگار**

**نیز ناموزد ز هیچ آموزگار**

فاعتبروا یا اولی الابصار روز پنجشنبه ۱۲ نومبر ۲۰۱۵ میلادی برمنگهم نگارگر